

باسمه تعالی

از قاشق زنی

تا کودتا!

از قاشق زنی

تا کودتا!

مقدمه

سال ۱۵۲۰ میلادی، ماژلان پرتغالی به سواحل آمریکای جنوبی در اقیانوس آرام رسید. بیست سال بعد در سال ۱۵۴۰ اسپانیایی‌ها از طریق پرو به همین منطقه رسیدند و با سرکوب بومیان حکومت خود را در آن جا مستقر کردند و شهر سانتیاگو را در ۱۲ فوریه، ۱۵۴۱ بنیان نهادند. این آغاز تشکیل کشوری به نام شیلی بود. در ۱۸۱۸ میلادی، شیلی به‌عنوان یک جمهوری مستقل اعلام موجودیت نمود، اما ساختار طبقاتی اجتماعی استعماری خود را حفظ نمود و حکومت تحت نفوذ ملاکان ثروتمند – که البته همه اصلیت اروپایی داشتند – قرار داشت. جنگ داخلی، انتخابات و کودتای نظامیان و برگشت قدرت به حزب حزب رادیکال و در سال‌های بعد به حزب دموکرات مسیحی که تا سال ۱۹۷۰ دولت را در دست داشتند تغییری بر نفوذ طبقه ثروتمند و سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد نکرد.

مردی برای مردم

انتخابات ۱۹۶۴ ریاست جمهوری شیلی در پیش بود. دو رقیب اصلی در این انتخابات «ادوارد فری» نامزد حزب دموکرات مسیحی و «سالوادور آلنده» نامزد سوسیالیست بودند. از آنجا که آمریکا در شیلی منافع حیاتی بسیاری داشت برایش بسیار مهم بود که چه کسی عهده دار پست ریاست جمهوری خواهد شد، از همین رو از سال ۱۹۶۴ سازمان سیا به طور جدی فعالیت‌های خود را در شیلی آغاز کرد و از هیچ کوششی برای شکست سالوادور آلنده فرونگذاشت؛ از پرداخت تمام هزینه‌های انتخاباتی «فری» تا چاپ پوستر و پخش برنامه‌های رادیویی، نمایش فیلم، توزیع جزوه و درج مقاله در مطبوعات^۱ در نهایت تلاش‌های سیا در جریان انتخابات ۱۹۶۴ باعث شد تا فری بتواند مقام ریاست جمهوری را به دست آورد.

اما در انتخابات بعدی ریاست جمهوری شیلی که در سال ۱۹۷۰ برگزار شد سیا کوشید تا به جای حمایت از نامزدی خاص فقط مانع انتخاب آلنده که باز هم خود را نامزد ریاست جمهوری کرده بود شود. سیا در این مبارزه که بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت دست به روش‌های گوناگونی زد که از جمله‌ی آن می‌توان به انتشار مقالات متعدد در جراید شیلی و مطبوعات بین‌المللی اشاره کرد.

کمپانی مخابراتی امریکایی معروف « I T T » که از منابع مس شیلی بهره‌مند می‌شد، تنها در یک مرحله سیصدوپنجاه هزار دلار به رقیب انتخاباتی آلنده کمک نمود. اما این بار تلاش‌های سیا بی‌نتیجه ماند و علی‌رغم تمام تبلیغات منفی، آلنده توانست با کسب ۳۶٪ آراء از سایر رقبایش پیشی بگیرد با این حال چون نتوانسته بود اکثریت مطلق آراء را کسب کند طبق قوانین شیلی تصمیم‌گیری به‌عهده اعضای پارلمان گذاشته شد. سیا که تنها هفت هفته مهلت داشت تا بر اذهان نمایندگان پارلمان تاثیر بگذارد و مانع انتخاب شدن آلنده شود، باز به مطبوعات شیلی که به پایگاه‌های امنی برای آمریکا تبدیل شده بودند متوسل شد. سیا مخارج چاپ ۷۲۶ مقاله را به صورت‌های مختلف از قبیل خبر، شایعه، سرمقاله و انواع دیگر در مطبوعات شیلی و جهان تقبل کرد.

۱. استانسفیلد ترنر؛ پنهانکاری و دموکراسی؛ ترجمه حسین ابوترابیان؛ انتشارات اطلاعات ۱۳۶۷

سازمان سیا دوازده روز قبل از اعلام پیروزی آینده، به طرح‌ریزی کودتایی بر علیه او دست زد. آن‌ها قصد داشتند که آینده را برابیند و به قتل برسانند.

فرمانده ارتش، جنرال اشنایدر (که معروف به دفاع از قانون اساسی بود) در مقابل این آدم‌ربایی مقاومت نمود که از سوی یکی از ماموران شیلیایی سیا ترور گردید و مورد هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

کلنل پل ویمرت وابسته نظامی آمریکا در سانتیاگو (طی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱) بعدها گفت، با خودش هزاران دلار پول برده بود تا ترور ژنرال «رنه اشنایدر» از معدود ژنرال‌های حامی حاکمیت غیر نظامیان را از نظر مالی تامین کند.

زمانی که نقشه کودتا از پرده بیرون افتاد، نظرات سویی را بر علیه عملیات دولت آمریکا در شیلی بر انگیخت، تا جایی که کیسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا دستور توقف عملیات کودتا بر علیه آینده در آن مقطع را صادر نمود.^۱

هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی آمریکا در دهه ۷۰ میلادی درباره انتخاب سالوادور آینده به ریاست جمهوری کشور شیلی گفت: «من نمی دانم چرا باید بنشینیم و نظاره‌گر این باشیم که کشوری به دلیل عدم احساس مسئولیت مردمش، به سمت کمونیسم حرکت کند».

نان، مسکن، کار

آنده موسس حزب سوسیالیست شیلی در ۱۹۳۳ بود اما سوسیالیسمی که او در آرزوی آن بود با آنچه کمونیسم در شوروی، به بار آورده بود تا حدود زیادی تفاوت داشت. او نه معتقد به دیکتاتوری پرولتاریا (طبقه کارگر) بود و نه به تشکیل حزب فراگیر دولتی اعتقادی داشت. او از زمانی که شعار «نان، مسکن، کار» را انتخاب کرده بود قصد داشت تا راه مردم را برای رسیدن به این سه رویای کوچک هموار کند. بنابراین او به جای تفکر درباره ی دیکتاتوری رنجبران، نگران وضعیت طبقه کارگر بود و به جای تشکیل حزب دولتی، به برابری و آزادی همگانی فکر می کرد. آنده تلاش می کرد تا کارگران و مهندسان در مالکیت صنایع شریک شوند، با افزایش مالیات‌ها بر میزان رفاه

۱. استانسفیلد ترنر؛ پنهانکاری و دموکراسی؛ ترجمه حسین ابوترابیان؛ انتشارات اطلاعات ۱۳۶۷

عمومی بیافزاید، زمین‌های کشاورزی و ساختمانی را به شرط بهره‌وری اجاره مادام‌العمر بدهد و تصمیم‌گیری درباره تجارت خارجی و سیاست‌های پولی را به شوراهای کارشناسی واگذار کند.

دکتر آئنده در همان سال اول ریاست جمهوری خود، برنامه «راه شیلی به سوی سوسیالیسم» را اعلام نمود. این برنامه شامل ملی کردن صنایع بزرگ بود. آئنده طی اولین سال از دوران ریاست جمهوری خود ۴۷ شرکت صنعتی و اغلب بانک‌ها را که تا قبل از آن تحت مالکیت یا نفوذ آمریکا بودند ملی کرد. اما اقدامات او به این جا ختم نشد و در نهایت موفق شد مس کشورش که مرغوب‌ترین مس جهان بود را نیز ملی کند.

دولت آئنده در امر «ملی کردن» تنها به صنایع، معادن و بانک‌ها اکتفا ننمود، بلکه سیستم خدمات بهداشتی و سیستم آموزش کشور را نیز ملی اعلام نمود. حل مسأله ی زمین و تملک دولتی بر زمین‌های بسیاری و واگذاری آن‌ها به دهقانان در دستور کار قرار گرفت.

به دلیل سوء تغذیه کودکان بسیاری از خانواده‌های شیلی، برنامه شیر مجانی برای شاگردان مدارس از برنامه‌های فوری دولت بود. دولت همچنین تمامی قیمت‌ها را تثبیت نمود، و در این حال به افزایش دستمزدها پرداخت. در همان سال اول ریاست جمهوری آئنده، رشد صنعتی نسبت به «تولید ناخالص ملی» ۸/۶ درصد افزایش پیدا نمود، نرخ تورم از ۳۴/۹ درصد به ۲۲/۱ درصد کاهش پیدا کرد و نرخ بیکاری کاهش یافته و به ۳/۸ درصد رسید!^۱

علاوه بر این طرح‌های جالبی درباره‌ی صنایع کشور شیلی اجرا کرد از جمله ۵۱٪ سهام صنعت اتومبیل‌سازی کشور را به دولت اختصاص داد.

آئنده اعتقاد فراوان به اصول پارلمانی و آزادی بیان داشت و آن‌ها را عمیقاً رعایت می‌کرد. اکثریت ملت شیلی را در اجرای طرح‌های دولت شرکت داد و از طریق اتحادیه‌های کارگری و احزاب، مردم را در فعالیتهای دولت سهیم و شریک نمود.

آئنده گفته بود: «مبارزه مردم شیلی برای این بوده که قدرت را در دست مردم گذارد آنچنان که کارگران، دهقانان، کارمندان و روشنفکران صاحب مملکت باشند.»

۱. گابریل گارسیا مارکز؛ مرگ سالوادور آئنده؛ ترجمه یارتا یاران؛ انتشارات زمستان ۱۳۷۸

یاری نشد

از همان بدو ریاست جمهوری؛ آینده با مشکلات زیادی مواجه شد. برخی از این مشکلات ناشی از مخالفت اعضای جناح ائتلافی دولت با اصلاحاتی بود که آینده به آن‌ها اقدام کرد. تدابیر اجتماعی آینده از قبیل افزایش دستمزدها، ملی کردن معادن مس و شرکت‌های بزرگ شیلی و غیره هرگز با توافق جمعی جناحش همراه نمی‌شدند. در عین حال، سالوادور آلنده دشمن بزرگ‌تری داشت و آن مخالفان جناح راست بودند که در مجلس دارای اکثریت بوده و به‌طور پنهانی از سوی سازمان جاسوسی سیا حمایت می‌شدند. مجلس تمام راه‌ها را به روی او بسته بود و امکان فعالیت را از آلنده سلب کرده بود. حتی مجلس قصد برکناری او را از مقام ریاست جمهوری داشت. بنابراین آلنده ناگزیر شد به‌عنوان آخرین راه حل به یک همه‌پرسی متوسل شود. البته مجال این کار را پیدا نکرد.

توطئه

مقامات کاخ سفید، شیلی را در محاصره اقتصادی قرار دادند و در عین حال در کنار فشارهای اقتصادی، بر فشارهای سیاسی و تبلیغاتی خود بر ضد آلنده افزودند. امریکایی‌ها با خارج کردن سرمایه‌های خارجی اقتصاد شیلی را به بحران کشاندند سپس صنعت مس شیلی را تحریم کردند تا دولت پولی برای تأمین برنامه‌هایش نداشته باشد.

تقویت احزاب راست‌گرای شیلی مانند حزب دمکرات – مسیحی و تأمین مالی ژنرال‌های مخالف آلنده از دیگر اقدامات امریکایی‌ها بود.

سیا از طرف شورای امنیت ملی آمریکا، ماموریت یافت تا به‌شکل محرمانه، مبلغ هفت میلیون دلار در اختیار مطبوعات مخالف دولت، ژورنالیست‌ها و نیز برخی از NGO ها قرار دهد، تا در میان مردم و برعلیه آلنده تبلیغ نمایند. بازار عملیات سری

و حملات تبلیغاتی و روانی سیا در شیلی هر روز گسترده‌تر می‌شد، تا جایی که زمینه‌های یک اعتصاب سراسری فراهم گشت.

در اکتبر ۱۹۷۲ اولین رگه‌های اعتصابات «طرح‌ریزی شده» مشاهده شد. اولین اعتصابات به‌وسیله کامیون‌داران صورت گرفت که بلافاصله برخی صاحبان مشاغل کوچک و بسیاری از اتحادیه‌های کارگری فعال و سرشناس و بعضی گروه‌های دانشجویی نیز به آن پیوستند.

اقتصاد شیلی به سیستم ترانزیتی و حمل و نقل وابسته بود. این اعتصاب‌ها صدمات جدی به اقتصاد در حال پیشروی شیلی، وارد ساخت. در همین حال دلارهایی به کارفرمایان شیلیایی داده می‌شد تا از اعتصاب رانندگان حمایت کنند.

یک سال پس از کودتا یک روزنامه آمریکایی فاش کرد:

«از مبلغ هشت میلیون دلاری که در شیلی به عملیات سری سیا اختصاص داده شده بود، بخش عمده‌ای از این پول در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ برای فراهم آوردن زمینه‌های اعتصاب در حمایت از اعتصابیون و کارگران ضد آئنده مورد استفاده قرار گرفت.»

متأسفانه مردم شیلی از درک برنامه‌های سرمایه‌داران آمریکایی عاجز بودند و فشارهای اقتصادی را تحمل نکردند.

راهپیمایی زنان خانه‌دار که با قاشق بر قابلمه‌های خود می‌کوبیدند و بدین‌وسیله سعی در اعتراض به شرایط بد اقتصادی به وجود آمده، داشتند، یکی دیگر از آخرین حلقه‌های تضعیف دولت بود.^۱

این حرکت یعنی دولت دیگر حمایت مردم را نداشت و وقتی حمایت مردم نباشد زمینه کودتا به‌وجود می‌آید.

۱. گابریل گارسیا مارکز؛ مرگ سالوادور آئنده؛ ترجمه یارتا یاران؛ انتشارات زمستان ۱۳۷۸

کودتا

آلنده حاضر نبود در برابر فشارها تسلیم شود و به توصیه مخالفان و ژنرال‌ها مبنی بر استعفا تن بدهد. به همین دلیل آخرین مرحله توطئه اجرا گردید.

ژنرال «آگوستو پینوشه» با حمایت سازمان سیا و طراحی «زیگنو برژینسکی» خط قرمزی بر پایان حرکت مردم شیلی کشید.

صبح روز ۱۱ سپتامبر واحدهای نیروی دریایی شیلی بندر والپازرو را اشغال نمودند. اندکی بعد، سربازان ارتش به کاخ ریاست جمهوری لاموندا در شهر سانتیاگو حمله کرده و کاخ را محاصره کردند.

افراد وفادار به آلنده به همراه شخص او دست به مقاومت زده و شش ساعت مقاومت کردند. حوالی ظهر به دستور پینوشه هواپیماهای نیروهای هوایی کاخ ریاست جمهوری را بمباران نمودند.

مردم شیلی معتقدند که بمباران کاخ ریاست جمهوری که از دقت تکنیکی بالایی برخوردار بود به وسیله‌ی یک تیم آکروجت آمریکایی انجام شده است.^۱

آلنده آخرین حرف‌هایش را با مردم زد:

«مسلماً رادیو ماگالانز از کار خواهد افتاد و ساکت خواهد شد. اهمیتی ندارد؛ زیرا بازهم صدای مرا خواهید شنید. همواره در کنار شما خواهم بود و حداقل در خاطره شما انسانی ارزشمند خواهم بود که به کشورش وفادار ماند. جنایت و سرکوب، تاریخ را متوقف نخواهد ساخت. ممکن است که ما از بین برویم، اما فردا هنوز هم به مردم و کارگران تعلق خواهد داشت. زنده باد شیلی، زنده باد مردم... این آخرین کلمات من است و زمانی آن‌ها را می‌گویم که می‌دانم قربانی شدن عبث نخواهد بود و حداقل، تنبیه و سرزنشی اخلاقی نصیب دزدان، نامردان و خائنین می‌شود.»^۲

آلنده به طرز مشکوکی در همان کاخ کشته می‌شود ولی مرگ وی را خودکشی اعلام می‌کنند.

۱. همان ص ۴۹

۲. آلنده، روایت یک زندگی؛ فرناندو آلگریا؛ ترجمه محسن اشرفی

عواقب کودتا

پس از آئنده، وضعیت اقتصادی مردم به مراتب بدتر از گذشته شد و سرمایه‌دارن امریکایی به چپاول منابع شیلی بیش از گذشته ادامه دادند.

شیلی در مدت ۱۶ سال حکومت پینوشه به کشتارگاه و شکنجه‌گاه مخالفان دیکتاتور بزرگ خود تبدیل شد تا مردم شیلی بتوانند مزه حمایت آمریکا از آزادی‌خواهی و دمکراسی را با تمام وجود احساس کنند.

دوره دیکتاتوری تحت حمایت امریکای پینوشه، سیاه‌ترین دوران تاریخ شیلی محسوب می‌شود.

پس از کودتا، ده‌ها هزار نفر از مردم پایتخت دستگیر شده و در استادیوم فوتبال شهر سانتیاگو، محبوس و سپس قتل‌عام می‌گردند.

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ کودتاچیان دست به قتل‌عام وسیع مردم و افسران وفادار به آئنده زدند. تخمین زده می‌شود که حدود سی هزار نفر کشته و یا ناپدید گشته‌اند که تا این زمان هنوز از سرنوشت ناپدیدشدگان اطلاعی در دست نیست.

هزاران نفر در زندان‌های نظامی با توسل به وحشیانه‌ترین روش‌ها کشته شده و هرگز سرنوشت آن‌ها مشخص نمی‌شود. حدود ۲۸ هزار فرد شکنجه شده مشخص شده‌اند.

در زندان‌های شیلی بسیاری از مادران که تحت شکنجه بودند، کودکانی را به دنیا آوردند. بسیاری از این مادران در زیر شکنجه به قتل رسیده و کودکان آن‌ها ناپدید شدند که بر اساس آمار پانصد کودک بوده‌اند. انجمنی به نام مادر بزرگ‌ها همچنان در جستجوی کودکان ربوده شده است.

اعدام حدود یکصد تن از طرفداران سندیکا و رهبران چپگرا که در زندان بودند، ترور شخصیت‌هایی همچون ژنرال «کارلوس پراتس» فرمانده ارتش قبل از پینوشه، «برناردو لیگتون» معاون سابق رئیس جمهوری شیلی، «لته لیر» وزیر امور خارجه سابق شیلی و رهبر جناح مخالفان در تبعید و سربریدن «توکاپل خیمنز» رهبر سندیکای سوسیال دموکرات بعد از بازجویی در نزدیکی سانتیاگو از دیگر موارد شاخص جنایت‌های پینوشه است.

بر اثر فشار و پیگیری بازماندگان قربانیان دوران حکومت کودتا، لاگوس رئیس جمهور شیلی در سال ۲۰۰۳، در آستانه سی‌امین سالگرد کودتا؛ کمیسیونی را مامور شناسایی زندانیان، شکنجه شدگان و شاهدان جنایات دوران پینوشه نمود، این گزارش که اواخر نوامبر انتشار یافت ۱۴ مورد شیوه شکنجه و ۱۱۳۲ شکنجه‌گاه و بازداشتگاه را معرفی می‌کند که برخی از شیوه‌های شکنجه ذکر شده در این گزارش مو بر بدن انسان راست می‌کند. محتویات این گزارش به حدی بوده که دختر پینوشه نیز دوران پدرش را به دوران حکومت زجر و شکنجه تعبیر کرده است.

«کورت والد‌هایم» دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در این باره می‌نویسد:

«یکی از ویژگی‌های غم‌انگیز فاجعه‌ی شیلی ناپدید شدن هزاران انسان پس از قتل رئیس‌جمهوری سالوادور آلنده بود... پس از سال‌ها کوشش پایان‌ناپذیر اغلب برای ما تنها این وظیفه‌ی اسفبار باقی می‌ماند که این ناپدید شدگان را مرده به حساب آوریم بی‌آن‌که هرگز ردپایی از آنان به‌دست آمده باشد.»^۱

پینوشه در سال ۱۹۸۹ میلادی ناگزیر به کناره‌گیری از قدرت شد ولی تا چند سال فرماندهی نیروهای مسلح را همچنان بر عهده داشت. وی ترتیب قانونی داد که پس از کناره‌گیری از قدرت کسی نتواند او را تحت پیگرد قانونی قرار دهد به همین دلیل هرگز به‌خاطر جنایاتش مجازات نشد و در ۱۰ دسامبر سال ۲۰۰۶ در سن ۹۱ سالگی در شهر سانتیاگو مرگش فرا رسید.

این مسئله نشان می‌دهد که هنوز هم سایه استعمار و استثمار سرمایه‌داران امریکایی بر شیلی سایه افکنده است و این موضوع نتیجه نداشتن صبر و تحمل در برابر مشکلات و عدم تیزبینی سیاسی مردم شیلی بود.^۲

۱. کتاب «کاخ شیشه‌ای سیاست» نوشته‌ی «کورت والد‌هایم» ص ۲۱۳

۲. rasekhoon.net